



انتخابات و آنتی نومی کانتی

گفتاری از عبدالکریم سروش درباره پیشنهاد روزنه گشایان و اختلاف اصلاح طلبان



کاهش مشارکت در استان همیشه حاضر

آخرین گزارش استانی منصوره محمدی درباره فضای سیاسی انتخابات مجلس دوازدهم



نه وهم، نه واقعی

چهار نقد درباره فیلم «شب، داخلی، دیوار» ساخته وحید جلیلود



هویتی های آلمان در تلاش برای بازگشت

روایت اشیپگل از فعالیت ها، معاملات و ارتباطات راست گرایان افراطی

گزارش جامعه ۱۳-۱۴

در همایش سالانه سلامت روان و رسانه

مصطفی معین:

بی اعتمادی در سطح عمومی به ۸۱ درصد رسیده است

سرمقاله

از رودبار جنوب تا نیایش

سلامت روانی در جامعه ایران به خطر افتاده است. در همین چند روز گذشته دو واقعه عجیب رخ داده که نشانه های تأثر آوری از این ادعا است. اولین مورد یک آموزگار جوان در شهرستان رودبار جنوب در استان کرمان، با فروش خودروی خود و خرید یک قبضه اسلحه از اوایل شب تا صبح تمامی اعضای خانواده خود را در چند خانه شهر به ضرب گلوله کشته و مجروح می کند؛ از پدر گرفته تا کودک ۶ ماهه. وی پس از هر کشتاری به خانه نفر بعدی می رفته و طرح خود را اجرا می کرده است. در نهایت ۱۳ تا ۱۴ نفر را کشته و چند نفر را هم مصدوم کرده است و در پایان هم به روایتی خودکشی می کند و البته نیروی انتظامی می گوید که او را کشته است. مدیران وی در آموزش و پرورش معتقدند که او هیچ مشکل خاصی نداشته است و آموزگار قابل قبولی بوده، علت این اقدام هم هنوز قطعی نشده، هر چند مواردی که گفته می شود ناکامی های نه چندان مهم است. نمونه دیگر در اتوبان نیایش تهران رخ داده که به نقل از روزنامه شهرداری تهران یک پاکبان از روی پل به زمین پرتاب شده و چند خودرو از روی آن رد شده اند و این فرد مستضعف کشته شده است. این اتفاق در ساعت ۲ بعد از نیمه شب رخ داده و قاتل پس از دستگیری ادعا کرده که از آنجا رد می شده که دیده است: «پرچم ها به مناسبت ۲۲ بهمن برافراشته شده بود و من فکر کردم مقتول قصد اهانت به پرچم ها را دارد و می خواهد آن را از بین ببرد. حتی به پلیس هم زنگ زدم و موضوع را گزارش کردم. با این حال نتوانستم آرام بنشینم، از مانسین پیاده شدم و پس از درگیری با مقتول وی را اهل دادم که پرت شد پایین و جان باخت.»

این دگرگشتی ها را بگذارید در کنار خودکشی های موجود به ویژه در میان اقشار طبقه متوسط به بالا. اینها نشان دهنده وجود یک نوع از بیماری روانی است ولی نه بیماری روانی فردی که به طور طبیعی نزد روانپزشک یا روان شناس درمان و اصلاح رفتاری شود. در واقع این یک پدیده اجتماعی است بیش از آنکه یک امر فردی باشد. پدیده های اجتماعی که افراد بیشتری را به سوی رفتارهای نامتعارف سوق می دهد. مطالعات روان پزشکی نشان می دهد که دو پدیده در ایران رخ داده است. اول اینکه فاصله میان ناکامی با اقدام به قتل، اعم از خودکشی یا دگرگشتی خیلی کم شده است. اگر در گذشته مدت ها طول می کشید تا فرد تصمیم به اقدام بگیرد، اکنون این فاصله کوتاه شده است. پدیده دوم نیز کاهش سقف تحمل ناکامی است. ←

گزارش قضایی ۲۳

محدودیت جدید تاجزاده وسعید مدنی

حکم زندان روح الله نخعی روزنامه نگار و فعال سیاسی اجرا شد

نگاه هم میهن

حق انتقاد حتی در زندان



غلامحسین کرباسچی مدیرمسئول

در نظامی که می خواهد اخلاق و دستورات اسلامی و شرعی در جامعه ترویج شود و از مردم خواسته می شود که با گشاده رویی با یکدیگر روبه رو شوند، حتی بارها مسئولان در سطح امام (ره) و رهبری نیز اعلام کرده اند که نباید به کسانی که از ما انتقاد می کنند تعرضی صورت بگیرد؛ بنابراین اگر انتقادی با هر دیدگاهی - مخالف یا منتقد - مطرح می شود، نباید شاهد برخوردهایی مشابه با آن رفتاری که با سپیدمصطفی تاجزاده انجام شده و می شود، باشیم. با فردی که سوابق و خدمات ارزنده ای داشته است و اکنون نیز در زندان از روی احساس مسئولیت - نه برای منافع و مسائل شخصی - کنش سیاسی و اجتماعی دارد. حتی اگر بر فرض و نظر تصمیم گیران، این لحن یا اقدام او منطبق با مصالح ما و کشور نباشد. آقای تاجزاده یک شخصیت سیاسی است. این موضوع جدای از آن است که دادگاه یک فرد سیاسی با حضور هیئت منصفه برگزار شده یا همین طور به او محکومیت داده شده است. در حال حاضر در موقعیتی قرار داریم که نظام باید از خود ظرفیت نشان دهد و مردم را به حضور در صحنه، فعالیت و مشارکت تشویق کند. در حقیقت، امروز در موقعیتی قرار داریم که نظام باید جاذبه ایجاد کند و با گذشت و فداکاری از مسائل شخصی - یا احیاناً زاویه نسبت به افراد - از موضوعاتی عبور کند. در این موقعیت که قرار است مردم را تشویق کنیم، باید محاسن خود را به منصفه ظهور بگذاریم و تشریح کنیم که در چه مجموعه شرایط داخلی و خارجی قرار داریم. این برخورد و تزیینات مانند انفرادی یا شرایط ویژه ای که برای افراد در دوران محکومیت ایجاد می شود، جای تأسف دارد. هر چند ممکن است که این محکومیت نیز زیر سوال باشد چرا که در قانون اساسی تصریح شده است؛ یک دادگاه سیاسی باید با حضور هیئت منصفه باشد. در حال حاضر، اعمال و حرف ها در دستگاه های مختلف کشور به هم در تناقض است. از یک طرف گذشت و فداکاری را ترویج می کنیم و حتی در قوه قضائیه در پرونده های جنایی جلساتی برگزار می شود تا مردم از خون پسر، پدر و... بگذرند و مصالحه کنند. ←



پیش بینی روزهای دشوارتر دولت رئیسی در سال ۱۴۰۳

هراس اقتصاد ایران از سایه ترامپ

گزارش اقتصاد ۱۰-۱۱

وحید شقاقی شهری اقتصاددان

حمید میرمعینی کارشناس اقتصادی

واقعیت این است که ماهیچ سناریویی را برای انتقال احتمالی ریاست جمهوری آمریکان داریم و یکی از معضلات ما که باعث بحران های روزمره اقتصادی شده، این است که آینده تگری نکرده ایم و هیچ گاه برنامه متناسب با اتفاقات پیش رونداشته ایم و در نهایت بر روی هر اتفاقی که رخ داده، متضرر شده ایم؛ این نقطه ای که هم اکنون در آن هستیم را حاصل چنین عملکردی می دانم. البته تا انتخاب رئیس جمهور بعدی آمریکا فرصت زیاد است اما در صورت برگشت ترامپ به ریاست کشوری که بزرگترین اقتصاد دنیا را دارد و شانس بالایی نیز برای انتخاب او متصور است، قطعاً فشارها بیشتر خواهد شد.

بهتر این است که باز هم دموکرات ها پیروز شوند، اما اگر آنها نیز پیروز شوند ما فرصت مذاکرات را از دست داده ایم. قطعاً دموکرات ها شدت تحریم ها علیه ایران را بیشتر خواهند کرد. نتیجه اینکه در هر سه حالت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، چه ترامپ برنده شود، چه خانم نیکی هیلی و چه دموکرات ها، البته با شدت متفاوت، فشار به ایران ادامه خواهد یافت. به نظر من بیشترین اثر نااطمینانی از کانال پیروزی دونالد ترامپ خواهد بود و بعد از آن خانم هیلی و پیروزی دموکرات ها اما در هر سه سناریو، شرایط تحریمی ایران نسبت به سال های اخیر سخت تر و پیچیده تر خواهد شد.